

به مناسبت سالگرد اعلامیه

جهانی حقوق بشر

پاسخ دبیرکل سازمان

ملل متحد به ترهات

رژیم پیرامون «حقوق

بشر اسلامی»

• «اعلامیه جهانی حقوق بشر سدی

جهانی علیه تمام نظام ها و عقایدی

است که انسانیت و وجه تمایز انسان را

سرکوب می کند.» کوفی انان

دهم دسامبر مصادف است با سالگرد انتشار منشور جهانی حقوق بشر. در دهم دسامبر سال ۱۹۴۸، منشور جهانی حقوق بشر توسط سازمان ملل متحد به مثابه یک پیمان جهانی برای رعایت و احترام حقوق انسان ها در سراسر جهان انتشار یافت. حق آزادی بیان، تشکل و اندیشه از جمله حقوق

ادامه در ص ۸

لوايح «نیم بند»

رژیم و هراس از

مبارزه اوج

گیرنده زنان

مبارزه و مقاومت پیگیرانه زنان میهن ما، علیه قوانین و مقررات تبعیض آمیز و ارتجاعی رژیم ولایت فقیه، بازتاب گسترده ای در جامعه یافته است. این مبارزه که در اشکال گوناگون و بسیار متنوع جریان دارد، عرصه را بر رژیم تنگ کرده است و به شکل فزاینده ای زرفش می یابد. مقابله جدی و قاطع زنان در جریان انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری و حضور چشمگیر و فعال آنان در نفی تاریخی رژیم «ولایت فقیه» و هر آنچه نماینده این مجموعه قرون وسطایی و واپسگرا است نشانگر اوج گیری مبارزه جویی جنبش زنان برای احقاق حقوق پایمال شده خود در شرایط نوین کشور است.

ادامه در ص ۳

به مناسبت ۱۶ آذر ماه - روز دانشجو

«اتحاد - مبارزه -

پیروزی»

جنبش دانشجویی در برابر وظایف نوین

در صفحات ۵۰۴

۲۱ آذر ۵۲ - مین سالروز

قیام تاریخی خلق آذربایجان

در ص ۳

کنفرانس سران کشورهای اسلامی تلاش رژیم برای خروج از انزوای سیاسی



اجلاس بود که در سخنرانی خود برخلاف موضع گیری های خامنه ای از ضرورت نزدیک شدن «نظرها» از طریق «مذاکره» سخن گفت و «امت اسلامی را به بازگشت تأمل آمیز به خویشتن تاریخی، شناخت درست و عمیق زمانه و بهره گیری از دست آوردهای مثبت تمدن غرب فرا خواند...» (روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۷۶).

رسانه های بین المللی ضمن بی توجهی کامل به سخنان خامنه ای، سخنرانی خاتمی را نوعی تمایل به ایجاد روابط نزدیک تر با غرب و کشورهای همسایه تحلیل کردند و این سخنرانی انعکاس وسیعی یافت. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، جیمز فولی، از سخنان خاتمی در جریان کنفرانس اسلامی استقبال کرد و آمادگی آمریکا برای مذاکره رودررو با جمهوری اسلامی را اعلام نمود. فولی از

ادامه در ص ۶

نامه مردم

از کان مرکزی غرب تودز ایران

شماره ۵۲۱، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲۵ آذر ماه ۱۳۷۶

کنفرانس سران ۵۵ کشور اسلامی در میان تدابیر امنیتی ویژه و بی سابقه ای که به بسته شدن کلیه مدارس، دانشگاه ها و اداره ها و وزارتخانه های دولتی منجر شد، در تهران برگزار گردید. به گمان بسیاری از صاحب نظران و مفسران سیاسی، برگزاری این کنفرانس در تهران پیروزی دیپلماسی رژیم در مقابل فشارها و مخالفت های آمریکا بود.

سید علی خامنه ای، رهبر رژیم در سخنانی که در مراسم افتتاحیه کنفرانس ایراد کرد، ضمن تکرار شعارهایی که تنها برای مصرف داخلی تکرار می شود، از جمله گفت: «برادران و عزیزان! من سخن خود در گشایش این مجمع را به بیان سه مطلب اختصاص می دهم و در پایان نتیجه می گیرم: آن سه اینها است: اسلام، امت اسلامی، کنفرانس اسلامی و آفاق آینده...». وی در ادامه همین سخنان افزود: «لیبرالیسم غربی و کمونیسم و سوسیالیسم و غیره همه امتحان خود را داده و ناتوانی خود را ثابت کرده اند و امروز مانند گذشته اسلام تنها شفا بخش و فرشته نجات است...» خامنه ای ضمن حمله شدید به تمدن غربی، آمریکا و صهیونیسم، و ضمن محور شمردن «ایران اسلامی» خواهان اتحاد کشورهای اسلامی گردید. سید علی خامنه ای بدون آنکه به دستور کار کنفرانس که از جمله رعایت حقوق بشر، محکوم کردن تروریسم و ... اشاره ای بکنند با نصیحت کردن سران ۵۵ کشور اسلامی به رعایت بی چون و چرای قوانین اسلام به عنوان یگانه راه نجات به سخنان خود پایان داد.

سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سخنران بعدی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نامزدهای انتخاباتی را تعقیب کردند. برای نخستین بار نامزدهای انتخاباتی «برنامه» خود را به مردم ارائه کردند و هریک برای جذب نظر مردم و جذب آرای آنان به اقصی نقاط کشور سفر کردند... نتیجه انتخابات نشان داد اکثریت قاطع مردم علی رغم شرایط نابرابر تبلیغی و بعضاً یکسویه خصوصاً صدا و سیما، به نفع یک نامزد، به آقای خاتمی اعتماد کرده و ریاست قوه مجریه را برای چهار سال آینده بدست ایشان سپردند.

آنچه از محتوای رأی مردم می توان دریافت و این امر تقریباً مورد اتفاق اکثر تحلیل گران داخلی و خارجی بوده است که پیام رأی مردم به آقای خاتمی «نه» به وضعیت موجود و «آری» به انجام تحول است...» (نقل از اطلاعات بین المللی چهارشنبه ۱۹ آذرماه).

سازندگی» (جناب رفسنجانی) در سرمقاله روز پنجشنبه ۱۲ آذرماه خود از جهت گیری های اساسی بودجه سال ۱۳۷۷ انتقاد کرد و از جمله نوشت: «به نظر می رسد که در یک تناقض گریز ناپذیر و به دلیل آنکه سمت گیری کلان استراتژی اقتصادی و اجتماعی کشور هنوز هم تدوین و ترسیم نشده است، سازمان برنامه و بودجه ظاهراً در واکنش به انواع تقاضاها و فشارهای سیاسی و اجتماعی، اولویت گذاری خود را به گونه ای برگزیده است که فرجام آن جز آسیب دیدن پایه های تولید ثروت و رکود در فعالیت های اقتصادی چیزی نخواهد بود... ظاهراً در گزینش میان تقویت بنیان های تولیدی از یک سو و محو مظاهر روبنایی فقر [!!!] از سوی دیگر به عنوان دو راه متفاوت برای محرومیت زدایی، ما بار دیگر راه دوم را ولو به ناچار - برگزیده ایم...»

گزارش بانک مرکزی درباره وضعیت اقتصادی کشور در بهار ۷۶

آخرین گزارش بانک مرکزی که در قالب «هشتمین شماره» نماگرهای اقتصادی» منتشر شده است حاوی آمار جالب و افشاگرانه ای است که بخش هایی از آن به این شرح است. «بهار امسال ۴ میلیارد و ۸۶۱ میلیون دلار کالا از کشور صادر شد که ۴ میلیارد و ۸۹ میلیون دلار آن مربوط به صادرات نفت و گاز و ۷۷۲ میلیون دلار نیز مربوط به صادرات غیر نفتی بوده است. میزان واردات کشور نیز در ۳ ماهه نخست امسال ۳ میلیارد و ۹۹۲ میلیون دلار بوده است... حجم بدهی های خارجی کشور نیز در بهار امسال به ۱۵ میلیارد و ۸۳۶ میلیون دلار رسید که ۱۱ میلیارد و ۳۹۲ میلیون دلار آن مربوط به بدهی های میان مدت و بلند مدت و ۴ میلیارد دلار مربوط به بدهی های کوتاه مدت بوده است. البته این ارقام شامل تعهدات احتمالی از جمله اعتبارات اسنادی گشایش یافته که کالاهای آن هنوز حمل نشده و همچنین بهره های آینده نیست. با احتساب تعهدات مذکور کل بدهی ها و تعهدات خارجی ایران در خرداد ماه ۱۳۷۶ به ۲۹/۹ میلیارد دلار می رسد...» (نقل از روزنامه همشهری یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۷۶).

اعتراف جالب هفته نامه عصر ما

ماه ها پس از برگزاری هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی و پس از تبلیغات کرکننده نشریات مجاز در مورد رأی ۲۰ میلیونی مردم به «اسلام و نظام» هفته نامه عصر ما در شماره اخیر خود تحت عنوان «انحصار طلبی و تمامیت خواهی» تحلیل جالبی از انتخابات ارائه کرده است که از جمله در آن می خوانیم: «در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، به علت تحولات سال های اخیر، برای اولین بار جناح های سیاسی معتقد به انقلاب بر روی یک نامزد خاص اجماع نکردند، هر یک از جناح ها تلاش کرد تا نامزد خود را برای انتخابات معرفی کند... این صف بندی نیروهای سیاسی میدان مبارزات انتخاباتی دوره هفتم ریاست جمهوری را به عرصه رقابتی جدی، پرشور و جذاب تبدیل و مردم با حساسیت فوق العاده ای مسایل مطروحه از سوی



در حاشیه کنفرانس سران کشورهای اسلامی

● رژیم نگران از شرایط ناآرام کشور در یک اقدام بی سابقه کلیه مدارس و دانشگاه های کشور را از روز ۱۷ تا ۲۰ آذرماه تعطیل کرد و همچنین کلیه ادارات و وزارت خانه های دولتی نیز در روز دوشنبه ۱۷ اسفندماه تعطیل شدند. بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان چنین اقدامی در هیچ کجای دنیا سابقه نداشته است.

● ۲۰ میلیارد هزینه - مجتمع «حافظیه» که کنفرانس سران کشورهای اسلامی در آن برگزار می شود بر اساس آخرین برآوردها نزدیک به ۲۰ میلیارد تومان هزینه برداشته است. خبرگزاری های خارجی رقمی معادل ۸۰ میلیون دلار را نقل کرده اند. بر اساس گزارش مطبوعات مجاز رژیم این ساختمان در مدت دو سال با تلاش مهندسان و متخصصان ایرانی ساخته شده است. بر اساس اظهارات یکی از مسؤولان اجرای طرح «محل اقامت و استراحت سران کشورهای اسلامی حدود ۳۰ هزار متر مربع زیر بنا دارد که در زمینی به مساحت ۶ هکتار ساخته شده است و امکان پذیرایی از ۱۵۰ نفر را دارد. ساختمان حافظیه شامل یک بخش اقامتی، بخش همایش، یک سالن اصلی، دو سالن جنبی، یک سالن ضیافت، یک مجموعه باغ ایرانی و امکانات ورزشی است...»

مهاجرانی سخنگوی دولت شد

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۶ آذر ۱۳۷۶) در جلسه هیأت دولت روز یکشنبه عطاءالله مهاجرانی به پیشنهاد رییس جمهور و تصویب هیأت دولت به عنوان سخنگوی دولت انتخاب شد. بر اساس همین گزارش «اعلام مواضع، سیاست ها و خط مشی دولت و همچنین تشریح و توضیح تصمیم های هیأت وزیران» بر عهده نامبرده خواهد بود. در همین جلسه هیأت دولت دستور العملی را پیرامون هماهنگی کلیه ارگان ها و وزارت خانه ها با سخنگوی دولت به تصویب رساند و مقرر شد تا «دبیرخانه ویژه ای برای تنظیم امور مربوط به وظایف سخنگوی دولت و تنظیم ارتباطات وی با سایر دستگاه ها» ایجاد گردد.

اظهار تأسف «همشهری» از جهت گیری بودجه

سال ۱۳۷۷

روزنامه همشهری ارگان گروه «کارگزاران

ادامه لوایح «نیم بند رژیم»....

بندی شده اند و بجز اقدام های نیم بندی که به اساس حقوق زنان میهن ما توجهی ندارد هیچ اقدام روشن و اساسی برای تحقق قول های انتخاباتی برداشته نشده است.

عملکرد جمهوری اسلامی در ۱۸ سال گذشته ثابت می کند، این حکومت، مروج تاریخ اندیشی جهل و تبعیض و ستم در کشور ماست و به هیچ رو مایل نیست از سیاست زن ستیزانه خود عدول نماید. آنچه رژیم را وادار به پاره ای عقب نشینی ها می سازد، هراس از مبارزه زنان ایران، بعنوان بخشی از جنبش سراسری دمکراتیک و آزادخواهانه مردم است. تصویب شتابان لوایح، ایراد سخنان «فصیح» اما بی بنیاد و دادن وعده های بی پشتوانه در جهت انحراف و مهار این مبارزه طلبی است که امروزه مسئولین جمهوری اسلامی نیز به روند روبه گسترش و اعتلای آن - هر چند آهسته و کند - اعتراف دارند. اصولاً مجموعه اقدامات رژیم، جنبه احتیاطی داشته و برای سد کردن رشد مبارزات مردمی است. برخلاف تبلیغات رژیم «ولایت فقیه»، هدف مبارزه و آماج اصلی پیکار زنان ایران به تصویب چند لایحه نیم بند و تازه آنها ناکافی و نیز و عده برای تصدی پست وزارت و معاونت و مقام های وزارتی و وکالتی محدود نمی شود. لغو کلیه قوانین ارتجاعی، ایجاد تغییرات بنیادین و برابری کامل و بی خدشه در کلیه شئون اجتماعی، رؤس کلی خواست های زنان ایران را تشکیل می دهد. مبارزه برای نیل به این اهداف در بطن جنبش سراسری و به عنوان بخش جدایی ناپذیر مبارزه توده های میلیونی در راه استقلال آزادی، عدالت اجتماعی و نفی و طرد رژیم «ولایت فقیه» جریان دارد. این مبارزه تنها در سایه اتحاد و یکپارچگی و سازمان یافتگی است که می تواند به نتایج مطلوب برسد. رژیم ولایت فقیه به خاطر سرشت واپس مانده خود، علیرغم تمامی مانورها و اقدامات عوام فریبانه قادر نخواهد بود بهجودی در حقوق مدنی و اجتماعی زنان ایران بدید آورد و بر این اساس تنها با گسترش مبارزه و عمومی کردن خواست های مترقی زنان میهن ماست که می توان رژیم را زیر فشار خرد کننده قرار داد و آن را وادار به عقب نشینی کرد.

ادامهٔ لوایح «نیم بند رژیم» و هراس از مبارزه...

۲۱ آذر ۵۲ - مین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان

۲۱ آذر امسال پنجاه و دو سال از قیام تاریخی خلق آذربایجان می‌گذرد. نهضت ۲۱ آذر ماه به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان جای ویژه‌ای در تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهن ما دارد و نقش، اثرات و آرمان‌های اصیل و مردمی این جنبش همچنان در قلب‌های هم‌میهنان آذری ما زنده و پایدار است. جنبش ملی و آزادی خواهانه ۲۱ آذر از همان ابتدای کار با مخالفت سرسختانه محافل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم روبرو شد و سرانجام نیز به شکل وحشیانه‌ای سرکوب گردید. نفوذ عمیق این جنبش و اثرات و تغییرات شگرف و مردمی که در یکسال حکومت آذربایجان رخ داد آنچنان بود که ارتجاع و نیروهای واپسگرا تمامی توان خود را برای دگرگون جلوه دادن و نفی ماهیت ملی و دموکراتیک این نهضت به کار گرفتند. صدها مقاله و کتاب در کنار دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی رژیم استبدادی به کار گرفته شدند تا با تحریف حقایق و پرده پوشی جنایاتی که در جریان سرکوب خونین جنبش به کار گرفته شد، به نسل‌های آینده بقبولانند که جنبش ۲۱ آذرماه چیزی جز یک توطئه برای تجزیه ایران توسط کمونیست‌ها نبود.

امروز شواهد تاریخی انبوهی در رد این تبلیغات واهی و دروغ وجود دارد که در دسترس همگان قرار دارد. حتی سیاستمداران وقت و ملی ایران در رد چنین تهمت‌های سراسر واهی ایستادند و علیه آن اعلام موضع کردند. دکتر مصدق در جلسه ۱۹ دی ماه مجلس شورای ملی خطاب به حکیمی نخست وزیر وقت از جمله گفت: «نظریات من این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. باید با اهالی محل داخل مذاکره شد، شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد...». و حزب ایران نیز در روزنامه «جبهه آزادی» شهریور ماه ۱۳۲۵ نوشت: «ما نهضت دموکراتیک آذربایجان را برای سعادت ایران لازم دیدیم در همان موقع که دشمنان ایران حزب دموکرات آذربایجان را تجزیه طلب معرفی می‌کردند، ما راه خود را گرفتیم و هرگز فریب این نغمه‌ها را نخوردیم و نهضت دموکراتیک آذربایجان را اسلحه آزادی خواهان ایران شناختیم...».

حکومت ملی آذربایجان به رهبری میرجعفر پیشه‌وری در طول حیات یکساله خود توانست تغییرات شگرفی را در آذربایجان ایجاد کند. رفیرم ارضی به نفع دهقانان بی زمین، اعلام آموزش و بهداشت همگانی و رایگان، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد انجمن‌های ده، شهر و ولایات به شکل دموکراتیک، ایجاد اتحادیه‌های صنفی، اعطای حقوق برابر به زنان برای انتخاب شدن و بسط و گسترش فرهنگ و ادب از جمله گام‌های مهمی بود که حکومت ملی آذربایجان در دوران کوتاه یکساله حیات خود سازمان دهی کرد.

مبارزه بر شور خلق‌های ایران از جمله خلق آذربایجان، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن برای دست‌یابی به حقوق ملی خود در طی دهه‌های گذشته مرتباً توسط حکومت‌های استبدادی و ارتجاعی حاکم بر میهن ما سرکوب و به خاک و خون کشیده شده است. این مبارزات ارتباط تنگاتنگی با مبارزه مردم میهن ما برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دارد. در کشور کثیر الملله‌ای مانند ایران نمی‌توان به حقوق حقه خلق‌های ساکن کشور در تعیین سرنوشتشان بی تفاوت بود و با تکیه بر سرنیزه به دنبال یک دست کردن و یک رنگ کردن ساکنان کشور رفت. خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل، آزاد حق مسلم خلق‌های میهن ما است که تمامی نیروهای ملی و مردمی در راه آن مبارزه می‌کنند. تحقق خواست‌های برحق ملی خلق‌های ساکن ایران در کنار مبارزه عمومی مردم ما برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است که می‌تواند دورنمای مطمئن تری را برای استقرار نظام دموکراتیک متکی بر اراده مردم در میهن ما بی ریزی کند.

در پی انتخابات ریاست جمهوری و شرکت بی سابقه زنان در شکست نماینده «ولی فقیه» و هراس مجموعه رژیم از اوجگیری جنبش اعتراضی زنان، جمهوری اسلامی، با تلفیق سیاست دائمی خود، یعنی عوام فریبی، وعده‌های توخالی، و اقدامات نیم بندی در تلاش است تا از تندتر شدن آتش مبارزه جلوگیری کند. بخش شایعات پیرامون معرفی وزاری زن، و تغییرات اساسی در مورد قوانین ضد زنان و سخنرانی‌های توخالی سران رژیم از جمله خامنه‌ای، رفسنجانی و یزدی پیرامون توجه خاص جمهوری اسلامی به حقوق زنان و وعده‌های فراوان از جمله اقدام‌هایی بود که رژیم در این عرصه سازمان دهی کرد. رفسنجانی یک هفته پیش از انتقال از ریاست قوه مجریه به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مراسمی که در جمع مدیران ارشد، کارشناسان و برنامه ریزان امور زنان در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی تشکیل شده بود، از جمله خاطر نشان ساخت: «حرکت متین، آرام و روبه تکامل در امور زنان، ما را به تحقق هدف‌های اسلامی و عدالت اجتماعی در حقوق بانوان نزدیک کرده است...». در همین مراسم، خانم حبیبی همسر حسن حبیبی و مشاور رفسنجانی در امور زنان، گزارشی سراسر دروغ را پیرامون آخرین وضعیت میزان اشتغال و سواد زنان ایران ارائه کرد و مدعی شد که ۷۴ درصد از جمعیت ۲۹ میلیون نفری زنان ایران با سواد هستند و میزان اشتغال زنان در سال ۱۳۷۵ ۱۳۷۵ خورشیدی، به ۸۷ درصد رسیده است. جالب توجه است که براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور - مرکز آمار، کل شاغلان کشور ۱۴/۵۷۱/۵۷۲ نفر برآورد شده اند که از این میزان ۸/۷۹۹/۴۲۳ شاغلان شهری می‌باشند که از این تعداد تنها ۳۹۱/۹۹۱ نفر یعنی حدود ۱۱٪ آنان را زنان تشکیل می‌دهند. وضع در روستای کشور نیز به همین منوال است. براساس همین آمار تعداد کل شاغلان روستایی ۵/۷۱۰/۸۱۳ نفر است که از این تعداد ۴/۹۴۵/۲۹۸ نفر را مردان و ۷۶۵/۵۱۵ نفر را زنان (حدود ۱۵٪) تشکیل می‌دهند. (نگاه کنید به کتابچه نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور - ۱۳۷۵).

علاوه بر این وعده‌ها و آمارهای غیر معتبر، جمهوری اسلامی برای آرام کردن شرایط اقدام‌های نیم بندی را در زمینه حقوق زنان آغاز کرده است که اهم آن به شرح زیر است.

مجلس شورای اسلامی طرح «اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی»، یعنی دادگاه خانواده را به تصویب رساند، براساس این مصوبه، رسیدگی به دعاوی مربوط به نکاح، طلاق، فسخ نکاح، مهریه، جهیزیه، حضانت و ملاقات کودکان و غیره در صلاحیت دادگاه‌های خانواده قرار می‌گیرد. در این طرح قید شده است که قضات دادگاه‌های خانواده باید متاهل و با سابقه ۴ سال کار قضایی باشند، هر دادگاه خانواده بایستی حتی المقدور با حضور مشاور حقوقی زن شروع به رسیدگی کرده و احکام را پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر نماید. بخش مربوط به حضور مشاوران قضایی زن در دادگاه‌های خانواده، از سوی رسانه‌های همگانی در جمهوری اسلامی با تبلیغات بسیار گسترده و عناوینی مانند «حقوق مدنی و اجتماعی زنان کاملتر می‌شود»، انتشار پیدا کرد.

مجلس شورای اسلامی در یک صد و شانزدهمین جلسه علنی دوره پنجم خود، همچنین طرح الحلق تبصره به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی را مطرح و به تصویب رساند. به موجب تبصره الحاقی به ماده مذکور، زنان کارگر، در کارهایی که سخت و زیان آور شناخته شده‌اند با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و برخورداری از مزایای کامل بازنشستگی، می‌توانند بازنشسته شوند.

تصویب شتاب آلود طرحها و لوایح فوق در مجلس در کنار تبلیغات فزاینده رژیم پیرامون حقوق زنان به خوبی نشانگر، نگرانی جدی سران حکومت از گسترش و ژرفش دامنه اعتراضات زنان میهن ماست. نکتهٔ اساسی این است که خانمی - رئیس جمهور جدید در جریان برگزاری انتخابات قول برقراری حکومت قانون و جامعه مدنی را که در آن حقوق زنان رعایت شود به توده‌های انبوه مردم و خصوصاً زنان ناراضی میهن مان داد. علی رغم بخش وسیع شایعات در مورد ورود زنان به کابینه جدید، تاکنون جز شعارهای توخالی همیشگی که در پوشش‌های جدیدی بسته

ادامه در ص ۲

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

به مناسبت ۱۶ آذرماه - روز دانشجو

«اتحاد - مبارزه - پیروزی» جنبش دانشجویی در برابر وظایف نوین

سازی است که منجر به سرنگونی رژیم شاه و پیروزی مرحله اول انقلاب بهمن ۵۷ شد. پس از پیروزی انقلاب دانشجویان خواستار ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت کشور و استقرار دموکراسی و عدالت در جامعه بودند و در این رابطه همدوش با دیگر اقشار خلق مبارزه خستگی ناپذیری را سازمان دادند. این حقیقت را که حاکمیت برآمده از انقلاب مجبور به دادن پاسخ مثبت به خواست های دانشجویان شد باید انعکاسی از تاثیر مبارزه آنان دانست. نامه شماره ۳۳۹ / د مورخ ۵۸/۱۰/۱ شورای انقلاب به مدیریت موقت دانشگاه تهران گواهی در این راستا است: «شورا تایید و تاکید می کند که آزادی های اساسی که از مبانی اسلام است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب ملت نیز رسیده باید در محیط دانشگاه و محیط های آموزشی دیگر کاملاً رعایت گردد و هر نوع تهدید و تحدید این آزادی ها به هر صورت که باشد محکوم می شود». ولی دیری نپایید که رژیم تشوکرانیک حاکم که دیدی کهنه و ارتجاعی برگزیده داشت و تفکر و روشنفکری و مدنیت و تجدد را خطری برای موجودیت خود می دید سرکوب دانشجویان و روشنفکران را در راس برنامه های خود قرار داد. انقلاب خونین فرهنگی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ که منجر به شهادت دهها دانشجو در محوطه دانشگاه ها و دستگیری و اخراج هزاران دانشجوی ترقی خواه و دگراندیش گردید، شروع رسمی سیاست سرکوبی بود که تا امروز ادامه یافته است. رژیم با سعی در تصفیه دانشگاه ها از دانشجویان و دانشگاهیان ترقی خواه اقدام به گسترش سکوت مرگباری کرد که رژیم شاه در ایجاد آن شکست خورده بود. در هم شکستن جنبش دانشجویی به وسیع ترین شکل ممکن و سرکوب دگراندیشان در دانشگاه ها به سیاست رسمی رژیم «ولایت فقیه» تبدیل شد. اخراج های وسیع دانشجویان و استادان، روانه کردن سیل دانشجویان حزب الهی و وابسته و بی صلاحیت بله قربان گو، برگماری عواملان وزارت اطلاعات به سطوح بالای مدیریت دانشگاه ها نتایج تبعی چنین سیاستی بود. باید اذعان داشت که اگر در شرایط استبداد شاهنشاهی هر سال در روز دانشجو یاد دهها دانشجوی شهید در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی گرامی داشته می شد، پس از استقرار رژیم قرون وسطایی روز دانشجو روز گرامی داشت یاد هزاران استاد و دانشجوی شهید راه آزادی و دموکراسی شده است که طی آن دانشجویان و دیگر اقشار خلق با دهها هزار دانشجو و استاد اخراجی - تبعیدی - قربانی بی عدالتی های فاحش و تفتیش عقاید قرون وسطایی همدردی می کنند.

اگر پس از پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی دیوارهای اطراف آملی تشارت دانشکده فنی دانشگاه تهران که پراسابقه ترین و یکی از اصلی ترین دژهای مبارزاتی دانشجویی بود با یک ردیف عکس شهدای دانشجویی این دانشکده که طلایه داران آن بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی بودند، پوشانده می شد، اکنون به جرات می توان گفت که پس از اختناق رژیم «ولایت فقیه» دیوارهای تمامی ساختمان های دانشگاه تهران برای به نمایش گذاردن عکس قربانیان این نظام کافی نخواهد بود.

اگر در سال ۳۲ شعبان بی مخ نفرت خود و اربابان بی مغز خود را از مبارزه دانشجویان علیه رژیم کودتا با فریاد «در این طوله را ببندید» ظاهر می کرد در سال های حاکمیت مرگبار ارتجاع مذهبی دانشگاه های کشور برای سه سال تعطیل شدند که از هر گونه تمایلات میهن پرستانه، ملی و آزادخواهانه تصفیه شود. در نشریه ایران فردا شماره ۲۸ به نقل از دست اندرکاران و اعضاء هیات علمی دانشگاه انقلاب فرهنگی اسلامی چنین ارزیابی می شود: «در انقلاب فرهنگی... برخی در پی فرصت برای تسویه حساب های شخصی و گروهی بودند، و دسته ای نیز به دنبال ضبط غنایم، دانشگاه تعطیل شد و همه در انتظار فرزند جدید سه سال روزشماری کردند. آرزوها تحقق یافت و فرزند متولد شد اما ناقص الخلقه... انقلاب فرهنگی موجب رانده شدن بسیاری از اساتید شد. کلاس ها با پرده از یکدیگر جدا شدند تا دانشجویان پسر و دختر همدیگر را نبینند. تراشیدن ریش

۱۶ آذر در گاهنامه مبارزاتی معاصر مردم میهن ما مقام ویژه ای دارد. اهمیت این روز و این سالگرد را نمی توان فقط منحصر بدان دانست که سه دانشجوی ترقی خواه در جریان تظاهرات ضد رژیم شاهنشاهی، ضد امپریالیستی و طرفدار دموکراسی به شهادت رسیدند، و یا به اینکه در سراسر حیات ننگین رژیم شاهی دانشجویان با تظاهرات و اعتصابات خود اعتراض خلقی بر ضد دیکتاتوری و فساد و بیگانه پرستی رژیم را نمایندگی می کردند. ۱۶ آذر نقطه عطف مهمی در حیات مبارزات دموکراتیک و خلقی میهن ما در دوران پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ بود. ۳/۵ ماه پس از کودتای جنایتکارانه عمال سیا و انتلیجنس سرویس، در اوج دستگیری ها و اعدام ها و در شرایطی که رژیم کودتا و اربابان امپریالیستی آن قصد حاکم کردن یک دیکتاتوری سیاه و خفه کننده بر میهن ما را داشتند، جنبش دانشجویی کشور شروع دگرباره مبارزه متحدی را در جهت استقرار دموکراسی و حاکمیت خلقی بشارت داد. درس های عمده و با اهمیت ۱۶ آذر را برای فعالان دانشجویی دوران معاصر باید در رابطه با این نقطه عطف تاریخی دانست. امسال در شرایطی به بزرگداشت ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲ روز هجوم گزندگان رژیم کودتایی وابسته به بیگانه به دشت شقایق، روز دانشگاه و شهیدان دانشجو، برخاستیم که میهن ما در کل و دانشگاه های کشور به ویژه شرایطی بغرنج و پر تلاطم را از سر می گذارند. نزدیک به بیست سال پس از انقلاب ضد امپریالیستی و ملی و دموکراتیک بهمن ۵۷ در میهن ما، یار دیگر دانشجویان می روند که در دفاع از پایه ای ترین خواست های خلق، صحنه دانشگاه را به سنگرهای مبارزات خلقی تبدیل کنند.

مبارزان توده ای ۱۶ آذر را تنها به عنوان خاطره دور یک مبارزه و یا بزرگداشت شهیدان پیشگام آن گرامی نمی دارند. بلکه به آن به مثابه سنتی که هر روز جوان تر می شود و فراخوان اتحاد و مبارزه خلقی و قانونمندی پیروزی نو بر کهنه را در خود دارد، می نگرند. ۴۴ سال پیش در چنین روزی خون دو دانشجوی مبارز توده ای (مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی) با خون یک آزادیخواه ملی (احمد قندچی) در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. و این پیوند رمز پیروزی تمامی مبارزات گذشته خلق های میهن ما بوده است. امپریالیسم و ارتجاع داخلی به این امید واهی بودند که کودتای «سیا ساخته» ۲۸ مرداد زمینه ساز در هم شکستن جنبش دانشجویی و گسترش سکوت قبرستانی بر محیط دانشگاه خواهد بود. ماه های پس از کودتا، دانشگاه شاهد دستگیری و اخراج تعداد کثیری از دانشجویان ترقی خواه بود. در خارج از محوطه دانشگاه گزندگان رژیم کودتا هزاران میهن دوست توده ای را دستگیر و روانه زندان ها و جوخه های اعدام کرده بودند. لیکن دانشجویان به مثابه گردان رزمنده مبارزات خلقی با محکوم کردن توطئه رژیم کودتا با شعارهای «نفث مال ماست»، «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه» از همان نخستین روزهای سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۲ قصد خود را در روشن نگاه داشتن مشعل مبارزه خلقی های قهرمان میهن مان اعلام کردند. در ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم علیه تجدید روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت ریچارد نیکسون، معاون رییس جمهور وقت آمریکا، اعلام داشتند. حکومت کودتا برای جلوگیری از رشد جنبش اعتراضی، نیروهای نظامی خود را به دانشگاه گسیل داشت. دانشجویان در اعتراض به ورود نظامیان مسلح به صحن دانشگاه و ساختمان دانشکده ها کلاس های درس خود را ترک کردند. همینکه اولین شعارهای ضد کودتا از زبان دانشجویان در فضا طنین انداخت رگبار گلوله های مسلسل دو مبارز توده ای و یک هوادار جبهه ملی را به خاک و خون کشاند. بزرگ نیا و شریعت رضوی و قندچی از این لحظه به شقایق های همیشه پایدار جنبش دانشجویی - خلقی میهن ما تبدیل شدند. مبارزات دانشجویان در سال های حکومت رژیم پهلوی در ارتباط تنگاتنگی با مبارزات خلقی های ستمدیده میهن ما گره خورده بود. صحن دانشگاه ها به عرصه همیشگی مبارزات آشکار خلقی و رژیم استبدادی بدل شده و خواست های به حق دانشجویان با شعارهای اصلی خلقی برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی پیوند استواری یافته بود.

تاریخ معاصر کشور ما بیانگر نقش ویژه دانشجویان در مبارزات مهم و سرنوشت

ادامه «اتحاد - مبارزه - پیروزی»....

از گناهان کبیره محسوب شد و قرار شد همه اقل ته ریش داشته باشند. شوراهای گزینش برپا گردید و استاد و دانشجو را در قالب های تنگ طبقه بندی کردند. تایید، شروط، مشروط دایم، مشروط موقت، اخراج، معلق...».

دکتر غلامعباس توسلی عضو هیات علمی دانشگاه تهران جمع بندی خود از انقلاب فرهنگی رژیم را چنین ارائه می دهد: «از جمله درس های تلخی که داشت این بود که حدود سه سال دانشگاه ها به محاق تعطیلی فرو رفت، بیش از چند صد هزار دانشجو و دهها هزار استاد معطل و سرگردان بودند، هزاران استاد اخراج و بازنشسته شدند و یا از کشور رفتند و هزاران مرکز درسی و کتابخانه و آزمایشگاه ها و مراکز تحقیقاتی مدت طولانی خاک می خورد و به خود رها شده بود و برنامه صحیحی برای استفاده از آنها تنظیم نشده بود. فادغ التحصیل شدن هزاران دانشجو سال ها به تاخیر افتاد و متخصصین بسیاری که می توانستند در آن مدت به بازار عرضه شوند و مسایل فنی و اقتصادی یک کشور توسعه نیافته را حل کنند معطل ماندند و یک گروه دانشجو اداره دانشگاه ها را در اختیار گرفت».

دکتر توسلی که اکنون به همراه دیگر دانشگاهیان علنا از سیاست های ضد فرهنگی رژیم را انتقاد می کند در رابطه با دلایل رژیم برای انقلاب فرهنگی می گوید که «پاکسازی از گروه های غیر اسلامی یا مخالف که تعدادشان به نسبت زیاد بود و علنا در دانشگاه ها فعالیت داشتند باید می شد». و به بهانه اسلامی کردن دانشگاه ها و زدودن «ضد انقلاب» و تفکرات «ضد انقلابی» «نهادهای مختلف، متفاوتی خود را متولی امور دانشگاه ساختند، از قبیل انجمن های اسلامی، جهادهای دانشگاهی، ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر حوزه در دانشگاه، نهاد نمایندگی ولی فقیه، سمت و مدیریت ها و امکانات زیادی در اختیار آنها قرار گرفت و در همه این کارها، اعضاء هیات علمی و دانشگاه کمتر دخالتی داشتند. علی الاصول نه فقط در طی سه سال تعطیل دانشگاه ها، بلکه در طی نزدیک به دو دهه که از انقلاب اسلامی و استقرار بی رقیب نظام اسلامی می گذرد «انجمن» ها و «جامعه» ها و «نهاد» های متعددی با دست باز در امور دانشگاه ها و وزارت علوم دخالت دارند و مدیریت ها با دقت و وسواس زیاد منصوب می شوند و اعضاء هیات علمی و کارکنان و مدیران به انحاء مختلفی تحت نظارت و کنترل بوده اند و حتی دانشجویان برای ورود به دانشگاه پس از قبولی در کنکور ورودی، از جهت میزان تعهد سیاسی و اخلاقی به وسیله افراد و گروه ها از طریق مراجعه به خانواده ها، محله، همسایگان، مسجد محل و غیره مورد ارزیابی مجدد قرار می گرفتند و به اصطلاح گزینش اخلاقی و اسلامی می شدند. به طوری که نظر این بود که حتی یک فرد غیر متعهد وارد دانشگاه نشود. همه کارها در این مدت انجام گرفت و معلوم نیست اکنون بار دیگر زمزمه «اسلامی کردن» چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد».

سیاست های فاجعه بار رژیم «ولایت فقیه» سیستم دانشگاهی را وسیعاً تخریب کرد. اگر در سال ۵۹-۱۳۵۸ تعداد اعضای هیات علمی دانشگاه ها ۱۶۸۷۷ نفر و نسبت دانشجویان به استادان ۱۰ به یک بود بعد از انقلاب فرهنگی این تعداد ابتدا به ۹۰۴۲ و در سال های بعد تا ۸۰۰۰ تقلیل یافت. حتی کوشش های بعد رژیم برای تشویق اساتید به بازگشت و جذب متخصص نتوانست در جهت بحران تغییر ایجاد کند. در سال ۶۸-۱۳۶۷ تعداد اعضای هیات علمی به میزان سال ۱۳۵۸ رسید، گرچه در همین سال تعداد دانشجو ۷۰ درصد بیش از سال ۱۳۵۸ بود. در سال ۱۳۷۳ در واقع برای هر ۲۰ نفر دانشجو فقط یک نفر هیات علمی تمام وقت وجود داشت، یعنی تقریباً دو برابر قبل از انقلاب فرهنگی. به تقلیل کمی و کیفی هیات علمی دانشگاه ها باید سیاست مخرب سرازیر شدن سرسپردگان رژیم به دانشگاه ها را تحت پوشش اختصاص سهمیه های شاهد، رزمندگان، نهضت سواد آموزی و جهاد سازندگی با هدف اسلامی کردن دانشگاه ها اضافه کرد. نتیجه سقوط سطح علمی دانشگاه ها بود در اکثر موارد تخصیص سهمیه به معنی راه یافتن کسانی به دانشگاه بود که به هیچ وجه توانایی علمی تحصیلات عالی را نداشتند و در مقابل ممانعت از دسترسی عده کثیری از جوانان مستعد به دانشگاه و تحصیلات عالی بود، که علی رغم قبول شدن در کنکور ورودی از سد آزمایش ایدئولوژیک و عقیدتی نتوانسته بودند عبور کنند.

به نوشته هفته نامه میهن مورخ ۱۹ مهرماه ۱۳۷۶ «در حال حاضر و بدون احتساب پذیرفته شدگان ۱۳۷۶ تعداد ۶۱۰۵۰ نفر دانشجوی سهمیه ای در ۵۰ موسسه عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی مشغول به تحصیل هستند». بخش وسیعی از این دانشجویان سهمیه ای نقش عناصر سرکوبگر وابسته به رژیم در دانشگاه ها را ایفاء می کنند. در کنار افت آکادمیک تحصیلات دانشگاهی باید مشکلات دیگر دانشجویان از قبیل کمبود خوابگاه های دانشجویی، عدم وجود

امکانات رفاهی معمولی، فقر کتابخانه های دانشگاهی و روند خصوصی سازی سیستم آموزش عالی را اضافه کرد. شکست سیاست های رژیم در همه زمینه های اجتماعی و اقتصادی بیش از پیش افق تاریکی را در برابر دانشجویان قرار داده است. به نوشته مجله ایران فردا، شماره ۲۸، در سال ۱۳۷۴ در کل بالغ بر ۱۰۷۲۲۰۷ دانشجو در کشور وجود داشته است. «با توجه به جمعیت دانشجویان تا پایان برنامه دوم حدود ۸۱۸ هزار نفر از دانشگاه ها فارغ التحصیل خواهند شد که براساس پیش بینی های به عمل آمده در برنامه دوم توسعه تنها ۳۵۱ هزار نفر آنها به عنوان متخصص جذب بازار کار می شوند و در نتیجه کارکرد آموزش عالی در پایان برنامه دوم توسعه تحویل ۴۶۷ هزار بیکار تحصیل کرده است. از هم اکنون همگی به سرنوشت مبهم خود می اندیشند و این تنها یکی از دهها معضل نسل کنونی دانشگاه است». چنین معظلاتی ریشه عینی رشد جنبش اعتراضی دانشجویی در کشور است که به تجربه خود شکست و عدم قابلیت رژیم به بهبود شرایط را دریافته است.

و به همین دلایل ملموس و عینی است که علی رغم تمامی سرکوب ها، کشتارها، محدودیت های آزار دهنده وحشتناک روزمره، حاکمیت شرایط تفتیش عقاید سیاه قرون وسطایی، علم ستیزی، اختناق ولایت فقیه و شلتاق کمیته های انضباطی، نابود کردن ساختار علمی دانشگاه ها، مجبور کردن هزاران متفکر و دانشمند به تبعید اجباری، باز در همین دانشگاه ها است که از زیر خروارها خاکستر و آوار ویرانه های دستاورد جمهوری استبدادی اسلامی، زمزمه ها و نجوای های شک و تردید نسبت به شرایط حاکم در چارچوب حداقل فعالیت سیاسی آنهم در میان معتقدین به اسلام و طرفداران نظام اسلامی به گوش می رسد. دکتر فضل الله صلواتی از اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان در شماره ۴۱۶ هفته نامه «نوید اصفهان» در انتقاد به طرفداران حمله به دانشگاه ها و طراحان شعار اسلامی کردن دانشگاه ها می گوید: «... شما تاکنون چکار می کردید؟ اکنون هم برای اینکه از قافله عقب نمانید، چند سانتیمتر بر طول محاسن مبارک بیفزایید و برگردان بقیه پیراهن را بردارید، و داغی بر پیشانی بگذارید و چند آیه و حدیث را بر تابلوهای صحن دانشگاه ها بنویسید... و یکی دو مرتبه در سال مراسم دعای کمیل و دعای ندبه را در سالن دانشگاه برگزار نمایید، تا فلان روحانی بگوید که ایشان آدم خوبی هستند و یا اینکه مراسم روضه خوانی در حیاط دانشگاه برگزار کنید و یا بر سر خاتم منشی هاتان به زور چادری ببندازید که همه ببینند که دانشگاه را بایک چادر و مقداری ریش اضافی اسلامی کرده اید، و آن گاه تصفیه حساب های شخصی را آغاز کنید، مخالفان را قلع و قمع نمایید و حکم بازنشستگی نیروهای متعهد را صادر کنید و با انواع تهمت و افترا آنها را از دانشگاه برانید و استادان با تجربه و با سواد و شاید انقلابی را با صوابدید حراست و انتظامات و... بازنشسته کنید، آن وقت به نظر خودتان دانشگاه را اسلامی کرده اید... افکار و اندیشه جوانانمان را به دست چه کسانی داده ایم و اینها مقدر سواد دارند؟ و آیا آن جوان حراستی تا چه اندازه صلاحیت دارد که دانش آموختگان را خوب و بد کند و بگوید که چه کسی باشد و چه کسی نباشد... در حالی که غذای دانشجویان فاقد هرگونه کمیت و کیفیت است، مخارج بیبوده دانشگاه ها را بررسی کنند، که چه ریخت و پاش هایی می شود ولی دانشجو برای تهیه جزوه و کتاب درسی اش عزا گرفته».

و چنین دید مشخصی از به بن بست رسیدن حکومت سرکوب و جهل است که پایه گذار رشد مبارزات دانشجویی در این دوره پرتب و تاب تاریخ معاصر شده است. ترس ها و واهمه ها و توهمات فرورفته است و جنبش دانشجویی از درون تشکل های قانونی موجود فریاد رسای خود را در طلب خواست های طبیعی خود و خلق بر می آورد. در قطعنامه ۱۹- مین نشست تکمیلی سالانه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) که در آبان ماه در اراک برگزار شد در حمله مستقیم به راست ترین جناح حاکمیت آمده است: «مسخ واژه هایی چون جامعه مدنی، آزادی، عدالت، جمهوریت... و در تقابل قرار دادن این مفاهیم با دین، ولایت، اسلامیت... شگردی دیگر جهت تشریح جایگاه های غیر قانونی و تمامیت خواهانه آنان است». دانشجویان از ملت می خواهند که با هوشیاری و تیزی بی «در زمان مناسب با اقدام شجاعانه خود به نحو شایسته ای با مخالفان ایمان، آزادی، عدالت و معنویت برخورد نمایند». آنان خواستارند که «نهادهای مدنی جایگزین نهادهای سنتی و توده وار قرار گیرد. بی شک ملت در جهت استیفای حقوق خود و در جهت حل مشکلات بی شمار جامعه بخصوص در حوزه اقتصاد همچون تورم، اشتغال، گرانی، استقراض و غیره... به طور قانونمند، متشکل و از جایگاه های شناخته شده وارد عمل خواهند شد... اما اصلاح دراز مدت اقتصاد تنها متکی برنهادینه ساختن جامعه مدنی است».

ادامه کفرانس سران کشورهای اسلامی ...

جمله گفت: «مهم این است که ما کارت های خود را روی میز بگذاریم و در یک گفتگوی باز و علنی با نماینده رسمی دولت ایران مذاکره کنیم...».

دیدارهای خامنه ای با امیر عبدالله ولیعهد عربستان و دیدار دوباره خاتمی با او که در سخنرانی خود آمادگی عربستان سعودی برای میانجی گری بین ایران و آمریکا را اعلام کرده بود، نشانگر حرکت های حساب شده ای از سوی جمهوری اسلامی به سمت عادی کردن روابط در منطقه و از این طریق آماده کردن زمینه برای مذاکره با آمریکا است. برگزاری کفرانس تهران بخشی از برنامه رژیم جمهوری اسلامی برای خارج شدن از انزوای سیاسی در منطقه و در سطح جهان بود. سیاست اخیر در واقع ادامه سیاستی است که توسط رفسنجانی آغاز گردید و امروز به شکل روشن و بارزتری دنبال می شود. علل اساسی اتخاذ چنین سیاستی را می بایست در تشدید فشارهای بین المللی از سوی آمریکا و تلاش جمهوری اسلامی برای خنثی کردن آنها ارزیابی کرد. اتخاذ مواضع نرم تر در مقابل کشورهای اتحادیه اروپا و بازگشت سفرای کشورهای اروپایی به تهران و تلاش های گسترده وزارت امور خارجه در بهبود روابط با کشورهای عربی خلیج فارس در ماه های گذشته را نیز باید بخشی از همین سیاست حساب شده و مورد تأیید مجموعه حاکمیت ارزیابی کرد.

کفرانس سران کشورهای اسلامی واقعه مهم سیاسی در منطقه محسوب می شود. موضع گیری مشترک کشورهای اسلامی در رد «تروریسم» در حالی که تعدادی از این کشورها از جمله ایران و عراق کارزار فعال ترور و اختناق در داخل و خارج از مرزهای خود را علیه دگر اندیشان دنبال می کنند در کنار دفاع از مبارزه خلق فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی از جمله نکات قابل توجه قطعنامه پایانی است. آنچه که در قطعنامه به چشم نمی خورد مسأله حقوق بشر و تعهد کشورهای اسلامی به تعهد همه جانبه منشور جهانی حقوق بشر است. این موضوع نیز جای تعجیبی ندارد. در بسیاری از کشورهای شرکت کننده در کفرانس حکومت های استبدادی و ضد مردمی حاکم است. از ایران تا عربستان سعودی تا مصر و عراق مردم این کشورها اسیر چنگال حکومت هایی هستند که نه تنها به حقوق بشر و انسان ها توجهی ندارند، بلکه فعالانه به نقض و سرکوب آن مشغول هستند. و از این رو طبیعی است که در قطعنامه پایانی موضوع حقوق بشر نادیده گرفته شود.

خاتمی در سخنان آغازین خود در این زمینه گفت: «احترام به حقوق بشر و رعایت حدود و ضوابط آن سخنی نیست که ما بنا بر مصلحت سیاسی و به خاطر هم سخنی با دیگران بر زبان بیاوریم...». قبول چنین ادعایی هنگامی ممکن است که این شعارها در عرصه کشور ما به صورت آزاد شدن صدها زندانی سیاسی که در زندان های قرون وسطایی رژیم روزانه شکنجه و آزار می بیند، خاتمه دادن به سرکوب دگر اندیشان و احترام گذاشتن به حقوق انسانی افراد، از جمله آزادی اندیشه، بیان و تشکل تبلور یابند. امروز واقعیت روز میهن ما با چنین ادعایی فرسنگ ها فاصله دارد. از گذشته ای نزدیک تر بگویم تنها در همین هفته های اخیر است که دکتر سروش یک دگر اندیش مسلمان به خاطر بیان عقاید خود مورد ضرب و شتم قرار می گیرد از کار بیکار می شود و ناچار است از هراس گزندگان رژیم زندگی نیمه مخفی داشته باشد. آیت الله منتظری به دلیل مخالفت با اصل ضد مردمی «ولایت فقیه» به زندان شکنجه و نابودی فیزیکی تهدید می شود. در رژیم «ولایت فقیه» همچنان هر زبان دگر اندیش و هر قلم دگر اندیشی اسیر زنجیرهای استبدادی است که رژیم «ولایت فقیه» با تعصب قرون وسطایی به زندانبانی آن نشسته است. گر چه کفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران با موفقیت نسبی رژیم در جمع آوری سران ۵۵ کشور جهان در تهران برگزار شد، ولی اشتباه است اگر تصور شود که بحران عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که رژیم با آن دست بگریبان است با برگزاری این کفرانس و نظایران فروکش خواهد کرد. کفرانس سران کشورهای اسلامی نشان داد که حاکمیت جمهوری اسلامی علی رغم ادعاهای سران آن با یک بحران سیاسی جدی در مورد جهت گیری های آینده خود روبرو است. زمینه های اساسی بحران نیز ریشه در نارضایتی عمیق توده ها از شرایطی دارد که توسط رژیم «فقه» به آنان تحمیل گردیده است.

مردم با شرکت در انتخابات دوم خردادماه و دادن رای منفی به نماینده و وابستگان «ولی فقیه» به روشنی اعلام کردند که خواهان تغییر شرایط به سمت آزادی و استقرار جامعه مدنی و قانون هستند. حوادث ماه های اخیر نشان داده است که «ولی فقیه» و گزندگان او نه تنها هیچ تمایلی به تن دادن به این خواست مردمی ندارند بلکه مصمم اند تا آن را با استفاده از همه اهرم های موجود سرکوب کنند. در مقابل یورش رژیم در مقابل مردم و خواست های برحق آنان تنها یک آلترناتیو موجود است. تند تر و گسترده تر کردن ابعاد مبارزه در راه طرد رژیم ولایت فقیه.

ادامه «اتحاد - مبارزه - پیروزی» ...

اگر هسته اساسی این خواست ها و مواضع را در کنار فاکت های مشخص فعالیت های یک ساله اخیر جنبش دانشجویی از قبیل تشکیل گروه های سه نفره دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برای مراجعه به خانه ها و گفتگو با سرپرستان خانه ها در مورد انتخابات ریاست جمهوری و یا سازماندهی موثر گروه های دانش آموز توسط دانشجویان دانشگاه ها در منطقه سعادت آباد جهت تکثیر اعلامیه های دستی تبلیغاتی با نقش گل و نام یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری بگذاریم، آنگاه ابعاد و کیفیت خیزش کنونی دانشجویان آزادیخواه روشن تر می شود. باید اذعان داشت که باردیگر به نقطه عطفی در مبارزات دانشجویی دوران معاصر رسیده ایم.

موضع گیری های مشخص دانشجویان در قبال رخدادهای عمده کشور و آمادگی آنان برای مبارزه و قربانی دادن در راه حصول خواست های خود نمایشگر بلوغ سیاسی و تشکل پذیری نوینی در این بخش از جنبش خلقی میهن می باشد. در اهمیت و کارآیی عملکرد دانشجویان همین بس که روزنامه های وابسته به رژیم تریبون تشکل های دانشجویی را محل وارد آوردن «شدیدترین اتهامات به مبانی فکری نظام اسلامی» می شمارند. و تشخیص می دهند که «آوردگاه بعدی» دانشگاه ها است و «در شرایط کنونی میدان اصلی کارزار نظام اسلامی با نظام سلطه جهانی، کانون های فرهنگی، بخصوص دانشگاه ها است». سرمداران «انقلاب فرهنگی» اکنون به وضوح از لزوم برخورد با «فتنه» دانشجویان سخن می گویند. چرا که دریاخته جنبش دانشجویی با تهیه جزواتی در مورد «واژه هایی مانند تکثر گرایی، سکولاریسم، آزادی، جامعه مدنی و امثال آن، که هر روز در باغ سبز و سرخ یکی از آنها نشان داده می شود... همه تلاش و توطئه خویش را برای مقابله با اندیشه اسلامی به کار می گیرند».

حملات فزاینده گروه های فشار و دستجات سازمان یافته توسط ساواما و جناح افراطی راست رژیم به تجمع های دانشجویی از عمق وحشت رژیم از تاثیر و برد مبارزات دانشجویان از طلب آزادی، جامعه مدنی و حقوق دموکراتیک حکایت دارد. رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی به یکباره آب در آشیانه مورچگان ریخته است. از یکسو محافل فاشیستی وابسته به رژیم سخن از سرکوب فیزیکی می کنند و قدرت پلیسی و نظامی خود را به رخ می کشند و از سوی دیگر دوباره آنان که ۱۸ سال قبل در استادیوم تختی تبریز از سه سه بار غلط کردن خود از حمایت از انقلاب سخن گفته بودند دانشجویان را به آرامش دعوت می کنند.

آنان که هرگونه حرکتی سریع تر و رادیکال تر از محدوده مورد قبول اندیشه های محافظه کارانه خود را «ماجرای جوانه» می دانند خواستار مسکوت گذاردن خواست ها و شعارهای واقعی و اصلی جنبش هستند. گروه هایی در حاشیه و در کنار جناح های حاکمیت منافع خود را در رادیکالیزه شدن جنبش خلقی و به تبع آن مبارزات دانشجویی نمی بینند و به همین دلیل خواستار کنترل حرکات مبارزاتی در محدوده سیاست های خود می باشد.

حزب توده ایران با چنین مواضع سازشکارانه و فرصت طلبانه و عاقبت اندیشانه ای سر سازش ندارد. ما معتقدیم که در راستای حرکت تاریخی مردم در انتخابات ریاست جمهوری در دست رد گذاشتن بر سینه نماینده رژیم «ولایت فقیه» می باید توده های خلق متحد در میدان های اصلی نبرد حاضر بوده و با نیروی تشکل و اتحاد میلیونی خود مانع از بازسازی مواضع ارتجاع گردند. کمک به ایجاد تشکل های توده ای پیرامون خواست ها و نیازهای مردم از وظایف عمده ترقی خواهان و نیروهای انقلابی است. با طرح شعارهای مشخص در طلب آزادی های اساسی و برآورده شدن نیازهای روزمره باید خلق را بسیج کرد. دانشجویان مبارز نقش عمده ای در حفظ هشیاری و ابتکار عمل توده ها دارند. عناصر انقلابی در دانشگاه ها می توانند و باید با حضور متشکل و موثر در اتحادیه های دانشجویی شعارهای آنان را رادیکالیزه و پیوند جنبش دانشجویی را با مبارزه خلق برای طرد رژیم «ولایت فقیه» ارگانیک و تعمیق نمایند. نباید اجازه داد که سازشکاران و فرصت طلبان انرژی جنبش را به هدر ببرند. پیروزی نهایی از آن خلق است.



عملیات نظامی و خونبار ترکیه در کردستان

حملات پی در پی ارتش ترکیه به خاک کردستان عراق که با بمباران دهکده های کردنشین باعث مرگ، زخمی شدن و آوارگی ساکنان منطقه شده است، از سوی کشورهای همسایه محکوم شده است. دولت آنکارا مدعی است که ارتش این کشور و متحدان کرد عراقی آن از حزب دموکرات کردستان عراق گروهی از چریک های حزب کارگران کردستان را در خاک کرک در منطقه کوهستانی، واقع در محل تلاقی مرزهای ایران، عراق و ترکیه، به دام انداخته اند.

اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران تجاوز ترکیه را به شمال عراق که از زمان جنگ خلیج فارس، در سال ۱۹۹۱ خارج از کنترل رژیم بغداد و زیر نفوذ کردها بوده است، محکوم کرد.

طرح قطعنامه ای که در این رابطه مورد مطالعه اجلاس کشورهای اسلامی در تهران قرار گرفت «نیاز به احترام به تمامیت ارضی عراق» را مورد تأکید قرار داد. در هفته دوم آذرماه بیش از ۱۰۰۰ نیروی نظامی ترکیه از مرزهای این کشور با کردستان عراق عبور کرده و به نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق و واحدهای نظامی دیگر ترکیه که در درگیری های سختی با نیروهای حزب کارگران کردستان درگیر بودند، پیوستند.

همزمان با این وزیر دفاع اسرائیل، اسحق موردخای، به آنکارا وارد شد تا درباره روابط رو به رشد با ترکیه تبادل نظر کند. قرار است اسرائیل سیستم های امنیتی هواپرد برای هلیکوپترهای نیروی هوایی ترکیه فراهم نماید.

موردخای در بازدید خود از آنکارا و استانبول مذاکراتی برای بستن قرارداد تسلیحاتی به ارزش حدود ۵۰۰ میلیون پوند و مانورهای مشترک و دیگر پروژه های دفاعی انجام داده است.

انتقاد سازمان ملل از غرب

آژانس پناهندگی سازمان ملل در ۱۷ آذرماه کشورهای غربی را که مانع عبور پناهندگان از مرزهایشان می شوند، مورد انتقاد قرار داد. کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل خاطر نشان ساخت که «سیستم جهانی برای حفاظت از پناهندگان که با زحمت فراوان از شروع قرن بیستم توسعه پیدا کرده بود، اکنون تحت فشار بی سابقه ای قرار دارد... تعهد کاهش یابنده جامعه بین المللی به پناهندگی و علاقه فزاینده به سیاست های محدود کننده و بازدارنده در تضاد واضح و آشکار با قانون بین المللی پناهندگی، اصول حقوق بشر و قوانین انسانی است... عدم تمایل کشورهای غربی در پرداخت کمک برای حل مشکلات دراز مدت پناهندگی به طور فزاینده ای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل را در ایفای نقش اصلی در

بحران های پناهندگی ناتوان ساخته است».

اتحاد در جهت کسب دوباره قدرت

در پی سقوط دولت اقلیت هندوستان پس از خارج شدن حزب کنگره هند از ائتلاف ۱۵ حزبی حاکم، احزاب جبهه متحد در ۱۷ آذرماه طی بیانیه ای اعلام کردند که در انتخابات آینده که در اسفند ماه برگزار خواهد شد متحدا و یکپارچه شرکت خواهند جست. رفیق بردهمان، دبیر کل حزب کمونیست هند که عضو ائتلاف حاکم بود گفت: «ما مصمم هستیم به مثابه جبهه متحدی مبارزه کنیم و اکثریت را به دست آوریم... این بار ما به مثابه سازمانی واحد عمل خواهیم کرد. باید از مردم بخواهیم که دوباره به ما شانس حکومت کردن به کشور را بدهند». ائتلاف ترقی خواهان هند از یکسو علیه حزب کنگره و از سوی دیگر علیه حزب شونیست باهاراتیاجانانا مبارزه خواهد نمود. در انتخابات گذشته، جبهه متحد پس از اینکه حزب کنگره و رقیب دست راستی آن حزب باهاراتیاجانانا از حصول اکثریت بازماندند، با جلب حمایت ضمنی حزب کنگره موفق به تشکیل یک دولت ائتلافی اقلیت گردید.

تحکیم مواضع نواز شریف

بحران سیاسی هفته های اخیر پاکستان با پیروزی نخست وزیر این کشور در مقابل رقبای سیاسی اش به مرحله جدیدی وارد گردید. حمایت ضمنی نظامیان پاکستان از نواز شریف هیچ راهی به جز استعفا برای فاروق لغاری، رئیس جمهور و سجاد علیشاه، رئیس دیوانعالی کشور باقی نگذاشت. در جریان تظاهرات طرفداران نخست وزیر در مقابل دیوانعالی کشور و هجوم گروهی از آنان به داخل عمارت، رئیس جمهور و رئیس دیوانعالی از فرمانده کل ارتش خواستند که مداخله کند. ژنرال جهانگیر کرامت بر خلاف دفعات قبل که به دفاع از رئیس جمهور در جهت برکناری دولت منتخب عمل کرده بود، این بار خواست رئیس جمهور و رئیس دیوانعالی کشور را به وزیر دفاع که خود برگمارده و تحت نظارت نخست وزیر عمل می نماید، ارجاع داد. عمل ژنرال کرامت عملا هیچ چاره ای جز استعفا برای رقبای نخست وزیر باقی نگذاشت. با استعفا لغاری و سجاد علیشاه، نواز شریف اساس قدرت خود را مستحکم کرد. در مورد موضع گیری حسابگرانه ارتش دلایل متعددی موجود است. سیستم حاکم پاکستان خود را به عنوان یک دموکراسی که در آن ارتش وفادار به قانون اساسی است معرفی می کند. این امر از نظر غرب و روابط آن با پاکستان اهمیت فراوان دارد. قاضی صلاح الدین، از تحلیل گران مطلع سیاسی گفت: «نقش رهبر ارتش نوعی مداخله بود، لیکن مداخله ای که منجر به سپردن مسؤلیت اداره کشور به دست ارتش نمی شود». ملیحه لودھی، سفیر سابق پاکستان در ایالات متحده گفت: «حل بحران نشان داد که نقش نظامیان عامل نهایی بوده است». ارتش پاکستان در ضمن با نمایش وفاداری به دولت منتخب عملا ادامه اختصاص بیش از ۲۵ درصد بودجه کشور به ارتش و مصارف نظامی را تضمین کرد. موضع ارتش وابسته به امریالیسم و نیز این حقیقت که در مهرماه نواز شریف موفق به حمایت صندوق بین المللی پول برای یک وام ۱/۵۶ میلیارد دلاری شد، ماهیت حرکات و روند تحولات پاکستان را نشان می دهد.

افزایش قیمت نفت؟

تصمیم عراق به خودداری از تجدید موافقتنامه خود

با سازمان ملل در مورد صدور نفت در مقابل خرید مواد غذایی و دارو، وضعیتی جدید را در بازارهای نفت جهان به وجود آورده است. موافقتنامه نوبتی که باید هر ۶ ماه یکبار تجدید شود و بر اساس آن عراق قادر به فروش ۲ میلیارد دلار نفت بود در روز جمعه ۱۴ آذرماه پایان یافت. نارضایی عراق از نحوه تقسیم و تخصیص عواید و فروش نفت توسط سازمان ملل دلیل عدم تجدید آن اعلام گردیده است. عراق معتقد است که این کشور باید امکان تصمیم گیری در مورد نحوه اختصاص عواید فروش نفت را داشته باشد. در حال حاضر فقط ۵۵٪ عواید فروش نصیب عراق می شود، ۳۵٪ به جبران خسارت کویت اختصاص داده می شود و بقیه صرف هزینه های سازمان دادن گروه های بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل می شود. عراق اعلام کرده که پیشنهادات مشخص خود را در مورد چگونگی صدور نفت تا اواسط دی ماه ارائه خواهد داد.

از آنجا که اخیرا سازمان اوپک، سازمان کشورهای تولید کننده نفت، تصمیم به افزایش سهمیه تولید نفت کشورهای عضو گرفته است و اینکه زمستان در پیش است، تصمیم عراق می تواند اثرات ویژه ای در بازار نفت داشته باشد و باعث افزایش قیمت نفت گردد. این امری است که سرمایه داری سخت در تلاش برای جلوگیری از آن بوده است.

و باز هم بره های اقتصادی آسیا

پس از مقاومت اولیه کره جنوبی به قبول کمک از صندوق بین المللی پول، عاقبت، شدت و عمق بحران مالی دولت این کشور را به توافق با وام ۵۷ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول که با مشارکت کشورهای عمده سرمایه داری جهان تهیه شده است، مجبور کرد. شرایط وام عملا برخی از حقوق دولت کره جنوبی را در رابطه با مقررات صدور و ورود کالا محدود کرده و شرایط مساعدی را برای رقبای آمریکایی و ژاپنی و اروپایی کره جنوبی برای تصاحب بازارهای این کشور فراهم خواهد کرد. بحران اقتصادی و مالی اقتصاد سرمایه داری آسیای جنوب شرقی هم اکنون مالزی و ژاپن را زیر فشار قرار داده است. دولت مالزی مجبور به اتخاذ برخی اصلاحات اقتصادی مهم برای غلبه بر بحران گردیده است. ژاپن نیز مجبور شده است گام های اساسی ای برای اعاده اعتماد بازارهای مالی جهان بردارد.

تصمیم کره جنوبی برای قبول شرایط و وام صندوق بین المللی پول از جمله به دلیل ورشکست شدن کمپانی کشتی سازی هالا که ۱۲- مین شرکت این کشور محسوب می شود، بوده است. ورشکست شدن تعداد بیشتری از کمپانی ها محتمل است. تصمیم دولت کره جنوبی به جلوگیری از فعالیت ۹ بانک از ۳۰ بانک سرمایه گذاری یکی از دلایل ورشکستگی هالا بود زیرا بانک ها از تامین منابع لازم برای ادامه فعالیت آن سر باز می زدند. دولت کره جنوبی در حال حاضر در مقابل فشارهای صندوق بین المللی پول برای تعطیل دو بانک تجارتی ورشکسته مقاومت می کند زیرا هراس دارد که این وضعیت به فشار بیشتری به سیستم مالی این کشور و سلب اعتماد موسسات مالی از سلامت اقتصادی این کشور منجر شده و بحران را عمیق تر کند.

ادامه پاسخ کوفی آنان به ترهات ...

اولیه انسانی است که رعایت آن از حکومت ها و دولت های مختلف جهان طلب شده است. رژیم جمهوری اسلامی از محدود حکومت ها در جهان است که طی ده سال گذشته به صورت متناهی از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و همچنین مجمع عمومی سازمان ملل به دلیل زیر پا گذاشتن این حقوق انسانی، محکوم گردیده است. سالی نیست که در گزارش سازمان ملل متحد در مورد ایران، از شکنجه و اعدام دگر اندیشان تا پیگرد و آزار زنان آزاده میهن مان مورد تذکر قرار نگیرد و رژیم در مجامع بین المللی در این مورد بازخواست نشود.

جنايات تكان دهنده رژیم از كشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، که افکار عمومی جهان را به شدت تکان داد جای ویژه ای را برای رژیم «ولایت فقیه» و سران آن در موزه جنایتکاران تاریخ قطعی کرده است. «بهبانه» و «دفاع» سران رژیم در مقابل این موج جهانی محکومیت همواره پناه بردن به اصول «اسلامی» و جهانی نداشتن منشور حقوق بشر بوده است. سران رژیم مدعی بودند از آنجائیکه منشور جهانی حقوق بشر بر اساس «ارزش های غربی» بنا شده است لذا قابل اجرا در کشورهای اسلامی نیست و از این رو ضروری است کشورهای اسلامی منشور حقوق بشر مناسب با خود را تهیه و تدوین کنند.

یکی از مسایلی مورد بحث در کنفرانس سران کشورهای اسلامی نیز موضوع ضرورت رعایت حقوق بشر در کشورهای اسلامی بود. کوفی آنان دبیرکل سازمان ملل متحد که به این مناسبت در تهران بود، سخنرانی در دانشگاه تهران ایراد کرد که حاوی نکات جالب و در عین حال موضع گیری قاطعی علیه ترهات رژیم پیرامون «حقوق بشر اسلامی» بود. آنان در سخنرانی خود در دانشگاه تهران که در روزنامه های پنجشنبه ۲۰ آذرماه تهران انعکاس وسیعی یافت از جمله گفت: «به خاطر آینده ای عادلانه تر و شفقت آمیز تر باید از حقوق بشر دفاع کرد و آن را ترویج نمود...» به گزارش روزنامه های مجاز وی که به مناسبت سالگرد اعلامیه حقوق بشر سخن می گفت افزود: اگر حقوق بشر به طور صحیح و منصفانه درک و تفسیر شود برای هیچ فرهنگی بیگانه نبوده و برای تمام ملل آشنا خواهد بود. وی از حقوق بشر به عنوان حقوقی که هر شخص به عنوان یک انسان از آن برخوردار است یاد کرد و گفت: انسان و حقوق بشر لازم و ملزوم یکدیگرند.

کوفی آنان از تاریخ حقوق بشر به عنوان تاریخ سازمان ملل متحد نام برد و افزود: فعالیت های سازمان ملل در زمینه صلح و توسعه به شکل فزاینده ای حقوق بشر را در راس امور قرار داده است. آنان در نتیجه گیری سخنان خود گفت: اعلامیه حقوق بشر سدی جهانی علیه تمام نظام ها و عقایدی است که انسانیت و وجه تمایز انسان را سرکوب می کنند.

سخنان مهم دبیرکل سازمان ملل متحد در تهران پاسخ قاطع و محکمی به یاهو گوپی های رژیمی است که در هفته های پیش از کنفرانس باردیگر اعتراض سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان های جهانی علیه سرکوب حقوق بشر در ایران را یک «حرکت سیاسی» توصیف کرده بود. مبارزه برای تحقق منشور جهانی حقوق بشر در ایران بخش جدا ناپذیری از مبارزه خلق های میهن ما علیه رژیم «ولایت فقیه» و در راه استقرار دموکراسی، آزادی، و عدالت اجتماعی است. خواست های فوری این مبارزه آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پایان فعالیت های ارگان های سرکوبگر و محاکمان عاملان کشتار مردم و در یک کلام طرد رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه» است.

سخنان دبیرکل سازمان ملل باردیگر بر این نکته تأکید دارد که علی رغم تبلیغات رژیم حرکات و اقدام های سرکوبگرانه رژیم غیر قابل توجیه و دفاع است.

اخباری از پیکار و جنبش جهانی کارگران و زحمتکشان

● جنبش سندیکایی مکزیک عصر تازه ای را آغاز می کند

تولد اتحادیه «اتحاد ملی زحمتکشان» (UNT) لحظه ای تاریخی و مهم در جنبش سندیکایی و کارگری مکزیک است. مرکز جدید کارگری توسط سه دبیر سندیکاهای کارگران تلفن، دانشگاه ها و کارکنان بیمه های اجتماعی رهبری خواهد شد و بیش از ۱۵۰ سازمان پیرو جریان های مختلف سیاسی را زیر پوشش خود قرار خواهد داد. «اتحاد ملی زحمتکشان»، نماینده بیش از ۲ میلیون نفر از زحمتکشان مکزیک خواهد بود که مصمم است فعالانه در مباحثات مربوط به رفورم دولت و نیز مباحثات مربوط به قانون کار، اشتغال و حقوق کارگران شرکت کند. اراده مشترک سازمان های بنیانگذار «اتحاد ملی زحمتکشان» بر این است که یک جنبش سندیکایی مستقل و دموکراتیک را در مکزیک پایه گذاری کنند. جنبش سندیکایی مکزیک تاریخ بفرنج و نسبتاً طولانی دارد. رهبری اکثر سندیکاهای بزرگ این کشور در دست اعضای وابسته به حزب حکومتی (RPI) و یا حزب «انقلاب دموکراتیک» (PRD) قرار داشته است. بزرگترین سندیکای رسمی کشور، سندیکای (CTM) است که در سال ۱۹۶۳ تشکیل گردید و کارگران راه آهن، برق، و کارگران نفت را می پوشاند. قابل توجه است که در بخش های کشاورزی اقتصاد مکزیک بیش از ۳/۵ میلیون کارگر کشاورزی از هیچ حقوق و تضمین قانونی برخوردار نیستند و اتحادیه جدید امیدوار است که بتواند در این زمینه فعالیت و مبارزه کند. مبارزه علیه قوانین ارتجاعی از جمله جلوگیری از تشکیل اتحادیه های سراسری دانشجویان و دانشگاهیان، مبارزه علیه روند خصوصی سازی از جمله عرصه هایی است که اتحادیه «اتحاد ملی زحمتکشان» در آن به سازمان دهی کارگران و زحمتکشان خواهد پرداخت.

● کنفدراسیون واحد سندیکایی در ایتالیا

هشتم فوریه سال جدید سه سندیکای بزرگ کارگری در ایتالیا در هم ادغام می شوند تا یک اتحادیه واحد کارگری نیرومند را در این کشور پدید آورند. سندیکاهای CGIL, CISL, UIL از هم اکنون کمیسیون های مختلفی را مشترکاً برای تهیه اساسنامه و تنظیم برنامه مبارزاتی تعیین کرده اند و امیدوارند که در روز هشتم فوریه که مصادف با برگزاری کنگره ملی UIL می باشد این اسناد را به تصویب نهایی برسانند. با یکی شدن این سه سندیکا بیش از ۱۱ میلیون کارگر ایتالیایی در زیر یک سقف واحد مبارزاتی قرار می گیرند و بدین ترتیب نیروی قابل ملاحظه ای در مبارزات سیاسی - سندیکایی ایتالیا تولد خواهد یافت. به گمان رهبران این سه سندیکا چنین جنبش نیرومند و یکپارچه ای برای تحولات مهمی که در اروپا و ایتالیا در حال شکل گیری است ضروری می باشد. اتحاد سه سندیکای بزرگ کارگری ثمره سال ها مذاکره و تبادل نظر میان این سندیکا است که از جانب نیروهای مترقی و پیشروی کشور مورد استقبال قرار گرفته است. حزب «احیای کمونیستی» از جمله مدافعان و همراهان این حرکت تاریخی جنبش کارگری و سندیکایی ایتالیا است. ناظران سیاسی پیش بینی می کنند که مقام دبیر کلی کنفدراسیون جدید به سرژیو کوفرنیلس دبیر اول سندیکای CGIL که از زهران جوان جنبش سندیکایی ایتالیا است که در ماه های اخیر درگیر مذاکره با حکومت «چپ میانه» بوده است واگذار شود.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:521

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

16 December 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۲۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.	نام
790020580	شماره حساب
10050000	کد بانک
Berliner Sparkasse	بانک